

وادی کسب فضیله معطوف اولشدی ذات مستوره صفاتی فی الامام و الی الی الی
تخصیص علم کمال و تحلیف و افضال مستوفی اولشدی بس قدره علماء عصر
و اسوه فضیله و بهر اولوب بجزیکان فضائل مورد اعتراف تمام و در ایام بی پایان
عقباتی مقصد و افاده خاصه و عام اولوب بفره و ارادت و فائزانه خورشید صیقل
انجمن و انشوری و آینه ای میری جام جهان نمای سدری اولوب مستوره حای انکار و
سب بحر علوم کثره فضیله کمال ذات او فخر حقایق و دیباچه حکم خواجه امامی
کلی نسیب کمالی جمله روی زمین ده جلش و شاد کلمت خلق کرمی نسیب ماری بهر باره
دو کلوب صحنی ایف منافع و عافیتی مانده او را بقا مبارکستان جهان خلق جانیده
صاحب جلش در اخلاق و اوصافی مذهب کوبار بود ز نمانده بر طراز مذهب بوستان است
روحی فرهم و عام کرام و انعامی بحسب مظهر وجود و شرفی کرمی کشته فضایل و مکار
استقامت دوست مبارکته اولان فایض صادم در مردم انوار سوره و انوری
خضر نیران ملازم اولوب مدارس علمیه شریف مقرونه بلوغ الواح استماعه فتون
اندک نصیحه قضای شام شرفی نمانده ایف ذات بر اختر مریه کسب عنوان
و احترام امتیاز در قضای بر وسع ذوقی اعلیٰ مسمیٰ شریف لایله و فتح خورشید بود
دولت بالبو سطلایع عاشق الیکن فایده تقدیر اهل بر محمد لایری سحر نیر
و اخراج اصل اولدن قضای شام در دره بی سابق اولشدی بجهه ستم
فکس مساحه قبه الاسلامی مصر بخیام سپهر مقامی اولوب ذات خورشید
انارلی منصب صدارت بر تبرق و لمعان و بر وسع نظری ذات مسودی بیا منف
فرمودن کشور وجودی بر عنوان اولد قاضی که طلب ختام سعادت و حشمت لای
ساخت صدارت روم ده او تا دلالته احترام و بلوغ و انتظام احوالی صحاب
فضل کمال ایف کفایت سینه مقصود منوط اولوب بخیام روم ایلمده صدر
بر احشام اولشدی فی الواح معتقته بنعمه اقباله و چون طبع و کمال لایری آرسی
و مجاهده فی حساب و محض و شاد استیثار در لاجرم عین وجود کافاتی شکفته جهان
اولسه و او مسداده استنفاقی نجات سعادت نردان خال خال عظمای
کلشن خاطر عاظر نردن دور و مهجور استیثار در سبیل علم و ام جاده و بیلال

تغذیر

شاخصار عزمت و علما لرزده ملام دستشان ساری و لکمه شاد و سینه سینه
مستوره الیکن تا کاه جمعیت اولوب مدوم صلاحتی مدرج سعادت مستصفا
ایکن متفقا عدولدی لکن شستی به راجع اولقدتک نه زیان و مواءه آسمانه
کاهی ببال و کاهی بدرد و لحدت نه تفصیلات فی الواح محققان مرافقت الحکامان
و مدصدان مراد دوران اولسندره روشن لامر درک افشای عالمات
دولت مشرق سعادت کده بر وفق عادت طالع اولوب ناز و دما در جاکماله
اوج علا به اتصال بولد قدح معروض سب زوال اولدی عظمای و ساطع در
در و شوشه نوم اقبال بر وسع و بر منوال و نوره و لمیوب کوبک نتیجه مثال کاهی
مستی کاهی راجع در **سب** فاضلا کوبک سب کمال شکر جهت کرد نیست در این
جاده تو را آن مسیح عیار را زانکه در غرضه میدان فلک بی رحمت استحقاق
نچوم سب سب از بعد تا قول و مدح و مشول در که تو اوستان بر فکرتی فی طیار
اولکتر در دست جانتی بر روی کار معبر و اسب تو را اولوب با و لکن در کتی بی
واعلی دانسته سینه بی کینه لرزیده تقادم و تراجم اشهر اردن عیارانک در کتی
مصلحت دولت لرزیده ایله ماقدمان نوره و اجلی اولوب بیامین بر کات ان
عندنا لایری حسن و آتیب شامل حال ذات فلک جنان لایری اولا و لشمسین لایری
العروب طلوع چون کلمت بیجا نمانده غرض لایری عالمی انار مار مدح و اطرا لایری
منور و دماغ سکان ایوان وجود عود و اوصاف سعید در نیک رواج مشکین
نوا ایلی لایری معنی و معطر اولشد در سنابل نقد و فضایل لرزده جواد خوش فایده
نه قدرتی و مشغول بایله بر سوزن مقالک هوای شمع کمال لرزده طیار نه استقامتی
وار در هر جنبه ذات بزرگواری و جناب فضایل شماری عنوان شاعر کمالی لایری
مرقوم حضرت عالی انتظام کشام بر احترامی و ضعف ناظمی ایله بو تذکره ده مرسوم
اولمق ذات شکر نیند نظری عین عیار و مخزن قوت و مشرتار در لکن جمله
فصلی لایری فصله عندنا لایری قضای خواهر ایدار و لایری شهاب لایری مسقط
و موشیح و کلمت با رعایت بلاغی تر شحات کلک سحر و عام افلام کوبار لایری
مختر و موشیح بند کلان اظهار اعلام ایچون طر بر و سطل اولدی بر بایک لایری

لری

۱۲۲